

# گسترش نارضایتی

و

## خطر ضدانقلاب سلطنت طلب

عمده‌ی گناه کودتای امریکایی شیلی را به گردن باصلح چپ‌های افراطی می‌اندازد، چه نقشی در زمینه سازی توطئه‌های اخیر بعهده داشته است.

### زمینه‌های قدرت‌یابی ضد انقلاب سلطنت طلب

قیام خونین بهمن که به نیروی خود انگیزه‌ی توده‌ها وسیع مردم و برغم توطئه‌ی هوپزر- بهشتی - بازرگان صورت وقوع پذیرفت، ارتش ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم شاه را، که پیش از این و در طول قیام از درون پوسیده بود، در هم شکست. حاکمان جدید از همان آغاز کوشیدند دامنه‌ی قیام را به تهران محدود کنند و از ایشرو بیماری از پادگانها و پایگاههای ارتش در شهرستانهای مختلف دست‌نخورده باقی ماند. پاسداران نوین سرمایه کهدر گسترش قیام، مرگ حتی خود را میدیدند، از همان فسردهای قیام خلع سلاح مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی را در صدر برنامه‌های خود قرار دادند. همپای خلع سلاح پراکنده‌ی مردم (با تهدید و تطمیع) امر بازسازی و ترمیم ارتش "شاهنشاهی" و "تطهیراز" "ناپاکی" های گذشته آغاز شد. همزمان با آن رژیم که در اثر بحران فزاینده‌ی سیاسی - اقتصادی، قادر بحل کوچک ترین مسائل و معضلات جامعه نبود، تنها راه گریز را در سرکوب همه جانبه‌ی خلقهای تحت ستم کرد، عرب، ترکمن، ترک، بلوچ، و... یافت.

از آن پس حمله به صنف‌بیکاران، سرکوب کارگران اعتصابی، یورش به مطبوعات مترقی و چپ، حمله به کتابفروشی‌ها، اشغال و تعطیل مراکز و دفاتر نیروهای انقلابی، ترور و اعدام انقلابیون و کمونیستهای پاک‌باخته، کشتار عام خلقهای تحت ستم و بویژه خلق قهرمان کرد، حمله به تظاهرات زنان حق طلب و تحمیل حجاب اجباری، تصفیه عناصر انقلابی از کارخانه‌ها، ادارات و ارتش بسیار عادی تلقی شد. در همین ایام و در خلال جنگ کردستان، ارتش "شاهنشاهی" سابق رفته رفته شکل گرفت و بطور نسبی تشکیل و استحکام گذشته را بازیافت. هنوز چند ماهی از قیام نگذشته بود که در اثر فشار و تعدی روزافزون رژیم سر

پس از "کشف" توطئه‌ی کودتا در ارتش و دستگیری و اعدام شمار بسیاری از افسران و درجه‌داران به اتهام توطئه علیه اساس حکومت اسلامی اکنون چنین مینماید کسه فضای "هشدار" هر روز دامنه‌ی وسیعتری بخود میگیرد. رژیم از طرح کودتای "جهش مثبت ۸۰" امریکا که گویا بوسیله‌ی یکی از روزنامه‌نگاران امریکایی فاش شده است سخن میگوید. مجاهدین خلق "نسبت به توطئه‌ی احتمالی ایادی امپریالیسم و مزدوران سلطنت طلب تا آخر ماه مسیحی جاری هشدار میدهند؛ فدائیان خلق (اکثریت) اعلام میکنند کسه امپریالیسم امریکا و پایادی آن قصد دارند مناطقی از جنوب و جنوب غربی میهن را در اختیار بگیرند؛ رژیم به منظور مقابله با حمله‌ی مزدوران امریکا و عراق در مناطق غربی کشور و نیروهای نظامی خود آماده باش میدهد؛ نورالدین کیانوری از هم اکنون خود را آماده میکند تا در نقش همپاکی خود لوتیس کور و الان (دبیرکل حزب کمونیست شیلی) تمام کاسه گوزه‌ها را بر سر ماوراء چپ خرد کند؛ مهندسی غروی از طرحی سخن میگوید که ظاهرا در زمان مدیریت مهندس بازرگان بدست دولت افتاده است و حکایت از توطئه‌ی وسیع بیگانگان در ایران میکند؛ روزنامه‌های وابسته به جناح های مختلف هیات حاکمه (جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی و کیهان) صفحات بیشماری را به مقایسه‌ی وضعیت ایران و شیلی اختصاص میدهند و...

لیکن در این بین کمتر کسی از زمینه‌سازان واقعی کودتا سخن بمیان میآورد. روشن است که در کشورهای زیر سلطه ارتش رکن رکین کودتاهای امپریالیستی و ضد مردمی بحساب میآید. در اینگونه کشورها ارتش عمدتا به اتکاء طبقات متوسط (شامل بورژوازی و خرده بورژوازی) و با سود جستن از بحران حاکم بر جامعه میکوشد و انمود کند که یک راه گریز از بن بست های اجتماعی - اقتصادی موجود روی کار آمدن حکومت قدرتمندی است که برای همیشه به ناسامانه و هرج و مرج حاکم خاتمه دهد. در واقع ظهور جوجسه فاشیستهای از قبیل پینوشه، سورهاتو، شاه خائسن و غیر آن تنها در بستر چنین شرایطی امکان پذیر است. اما بهینیم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، که هر جا سخنی از توطئه بمیان میآید، جای پای "چپ‌های امریکایی" را در آن جستجو میکند و حتی اخیرا با وقاحت و بیشرمی تمام، بار

مردم، ناراضی عمومی اوج گرفت و بتدریج "توهم بزرگ پیر-وزی" در ذهنیت مردم درهم شکست. هیأت حاکمه ناتوان از ارائه راه حل به سیاست‌رسوای سرکوب‌بیشتر مردم زحمتکش روی آورد و رادیوتلوویزیون یکسر در اختیار جناح‌های متخاصم رژیم قرار گرفت و به وسیله‌ای برای حمله به انقلابی‌گمونیست و جناح‌های رقیب بدل شد. سانسور و جعل اخبار، حذف کامل برنامه‌های تفریحی از رادیوتلوویزیون بی‌آنکسه برنامه‌های هنری و فرهنگی مترقی و مردمی جایگزین آن شود، مردم را هر چه بیشتر بسوی دستگا‌ه‌های رادیویی امپریالیستی و دارودسته‌ی بختیار راند. هیأت حاکمه بنا به ماهیتش از درک این نکته عاجز بود که نمیتوان بزور شلاق مردم را از اخلاق منحط گذشته جدا کرد. در عین حال واقعیت این است که رژیم در طول ۱۸ ماه گذشته هیچگاه در اندیشه‌ی ایجاد دگرگونی واقعی در بنیادهای اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جامعه نبود. روشن است که شرط دگرگونی این بنیادهای تغییر شرایط مادی آن است.

در عوض هیأت حاکمه به شتاب تمام درمددترمیم و بازسازی نظام سرمایه‌داری بحران زده‌ی ایران بر آمد. در چنین اوضاع و احوالی، طبیعی است که بخشهایی از مردم ناآگاه نیز به جبهه‌ی هواداران بختیار خائن (بسیاری از کارمندان عالی رتبه‌ی دولت و بخش خصوصی، عوامل سناواک منفور شاه، تیمساران ارتش شاهنشاهی، کارگزاران بلند پایه‌ی رژیم گذشته و...) پیبوندند. در این میان هر قدر بر میزان ناراضی‌ها افزوده شد، جبهه‌ی هواداران بختیار خائن و جنایتکارانی چون اویسی و پالیزبان تقویت شد. اکنون طبق خبرهای رسیده هزاران مزدور از ملیت‌های مختلف در پایکاهای دولت فاشیستی عراق استقرار یافته‌اند. از سوی دیگر نیروهای چپ و مترقی که میتوانستند با اتخاذ سیاست‌های اصولی، ناراضی‌ها را در مجاری صحیحی رهنمون شوند، به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های راست و اپورتو - سستی نسبت به حاکمیت کنونی عملاً به انفعال کشیده شدند. در واقع بخشهایی از مردم که خود شاهد جنایات بیشمار بختیار در دوزان کوتاه صد ارتش بودند و با پوست و گوشت خود کشته‌ار ۸ و ۹ بهمن ۵۷ را که بدستور مستقیم بختیار صورت گرفته بود تهریه کرده بودند، اینکه امیدهای خود را بر باد رفته میبنداشتند، از ترس مارهای چنیسن جهمنی به افعی‌هایی چون بختیار پناه میبردند. البته روشن است که در این میان رژیم نه تنها گامی در راه بر طرف کردن توهم مردم نسبت به حقانیت سلطنت‌طلبان خائن و تهکارانی چون اویسی و بختیار برنداشت بلکه کوشش کرد از راه تبلیغات دهان پر کن و هوجی‌گری در اطراف خطر "مد انقلاب" چپ و راست، از این وضعیت بسود حاکمیت متزلزل خویش بهره‌برداری کند. از اینرو بلندگوهای تبلیغاتی رژیم این روزها بیوسته خطر ضد انقلاب و تبا‌هت تام و تمام وضعیت ایران و شیلی را برخ مسردم میکشند. شک نیست جمهوری اسلامی، که خود را مدافع - سرمایه‌داری اسلامی میدانند در مقایسه با حکومت آئنده در شیلی، که خود را مارکسیست میدانست، طرفی نخواهد بست.

لیکن رژیم حاضر در یک چیز با حکومت آئنده مشترک است و آن نیز ترس از تسلیح مردم زحمتکش است. در حالیکه ارتش ضد خلقی کنونی هر روز قدرت بیشتری میگیرد و نیز در شرایطی که در صورت وقوع هر گونه توطئه این تنها مردم زحمتکش و مسلح هستند که قادرند در برابر آن ایستادگی کنند، همین چند روز پیش همزمان با اعلام ممنوعیت فعالیت سازمان‌های مترقی و چپ، در آبسازان و آمل، دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر اعلام کرد که طی چند روز آتی خلق سلاح عمومی آغاز خواهد شد و متخلفین به اشد مجازات محکوم میگردند.

## اوج‌گیری تضادهای جناح‌های حاکم

از سوی دیگر در طول یکسال و نیم گذشته تضادهای جناح‌های حاکم برای بدست گرفتن اهرم‌های قدرت دمبدم اوج بیشتری گرفته است.

در این بین روشن است که ادامه‌ی بازی قدرت میان بورژوازی باصطلاح لیبرال و خرده‌بورژوازی ناتوان و فرسایش‌نیروهای هر دو طرف، سرانجام بورژوازی را قادر خواهد ساخت که با استفاده از ناتوانی و دوگانگی خرده - بورژوازی و بیاری امپریالیسم جهانی، حاکمیت سیاسی و اقتصادی را یکجا و بطور یکپارچه به تصاحب خود در آورد. البته این نکته بدان معنا نیست که در آینده (و در شرایطی که از آن یاد شد) لزوماً و حتماً ترکیب کنونی بورژوازی حاکم قدرت را قبضه خواهد کرد. هم از این روست که خطر ضد انقلاب جناح بختیار خائن چندان غیر محتمل نیست. در واقع تجزیه و تحلیل رویدادهای یکسال و نیم گذشته به وضوح تمام نشان میدهد که از سوئی شدت‌یابی تضاد میان دو جناح یاد شده بر بحران حاکم افزوده است و نیز به تبع آن هر یک از دو جناح بیش از پیش خود را برای تسخیر بلامنازع و یکپارچه‌ی قدرت مجاب کرده‌است و از سوی دیگر اوجگیری بحران در درون نهاد سیاسی حاکم که مستقیماً در بحران عمومی جامعه بازتاب می‌یابد، مردم را نسبت به کارآئی و توانائی رژیم در حل و فصل مسائل و دشواریهای موجود، دل‌سرد و ناامید کرده است.

علاوه براین، چنانکه گفته شد، رژیم که کار عناد و دشمنی پیگیر نسبت به کارگران، زحمتکشان و نیروه‌های کمونیست و انقلابی را به مرزهای جنون کشانده است، هیچگاه در پس‌کشف عوامل واقعی توطئه نبوده است. سخنان نماینده‌ی امام در پادگان نوزه دایر بر اینکه:

"بنا بر آنچه من اطلاع دارم حدود بیش از ۳۰۰ نفر (از عوامل کودتا در ارتش) دستگیر شده‌اند... البته از این تعداد هنوز تمامان شناسائی نشده و روابط کاملاً کشف نشده برای ما... بعضی از عناصر اینها فرار کرده‌اند ولی اینها دست از توطئه برنمی‌دارند. من احتمال میدهم که دست تیمسار باقری در این جریان در کار بوده و این کار در انتها به تیمسار باقری منتهی میشود و

## گسترش ناراضی‌ت‌ی و . . .

های انقلاب در سراسر ایران است . تنها با توسعه پایگاه‌های انقلابی میتوان از طرفی دستاوردهای نپسام‌نورین بهمن ماه را تا استقرار حاکمیت زحمتکشان گسترش داد و از طرف دیگر علا یکبار برای همیشه بخاطر ضد انقلاب و جبهه‌ی فوق ارتجاعی بختیار ، سلطنت طلبان و حامیان امپریالیستشان خاتمه داد . بعبارت روشنتر ، درهم کوبیدن پایگاه‌های ضد انقلاب با دامنه دادن به فضای "دگذار" های مکرر ممکن نیست . باید با شرکت در مبارزه‌ی روز-مره‌ی اجتماعی و اراشه‌ی برنامه‌ی انقلابی از ناراضی‌ت‌ی مردم در جهت گسترش انقلاب بود .

